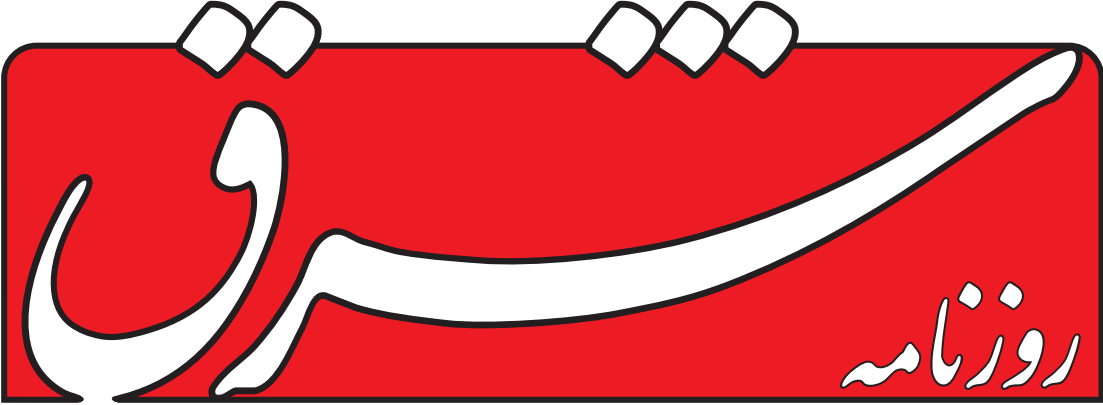


گفت‌وگو با علی کیانیان آهنگ‌ساز نمایش پدر

داستان یک مهاجرت معکوس

مهاجرت معکوس همیشه سؤال برانگیز است. یکی از جذاب‌ترین قسمت‌های پادکست رادیو مرز درباره تمام کسانی است که روزی از ایران رفته‌اند؛ درحالی‌که به بازگشت فکر نمی‌کرده‌اند، اما به هر دلیلی برگشته‌اند. این «به هر دلیل» موجب ایجاد سؤال در ذهن اطرافیان می‌شود…

صفحه ۱۲



دوشنبه ۲۱ شهریور ۱۴۰۱ • ۱۵ صفر ۱۴۴۴ • ۱۲ سپتامبر ۲۰۲۲ • سال بیستم • شماره ۴۳۷۳ • ۱۲ صفحه • ۱۰۰۰۰ تومان

در «شرق» امروز می‌خوانید: «شرق» از احتمال رأی آوری زاهدی‌وفا در صحن مجلس گزارش می‌دهد، کلوزآپ لیست بازیکنان داخلی «کی‌روش» و **یادداشت‌هایی از اردوان امیراصلانی**، رضا کیانی، فرشید سامنیور، الهام فخاری

سرمقاله

در ستایش معرفت ملی



علی دهقان

سال ۱۳۸۵ با یکی از مدیران صنعتی گفت‌وگو می‌کردم، تقریباً یک سالی می‌شد که محمود احمدی‌نژاد در قامت ریاست‌جمهوری فرمان می‌راند. مدیران ریز و درشت تغییر کرده بودند و فضا از هجوم آدم‌های بیکاره حیرت‌کرده بود. آن مدیر صنعتی می‌گفت که یکی از بزرگ‌ترین اشتباهات نسل من پاک‌سازی مدیرانی بود که از صفر تا صد کارروزی را پشت سر گذاشته بودند. خاک خورده بودند و به مدیرانی لایق تبدیل شده بودند؛ مدیرانی که ارزش خلق می‌کردند و راه رسیدن از پایداری به پویایی را می‌دانستند؛ اما خیلی از آنها را دور ریختم. جایشان را گرفتیم. در دسر ساختیم. جلو آمدیم. کار کردیم تا روزی که آموختیم، دانستیم و ساختن برای‌مان به یک ارزش اجرائی و مولد تبدیل شد؛ ولی متأسفانه در همان شرایط قرار گرفتیم و به اجبار راهی خانه شدیم. مسیری که او نشان داد از ویرانی و ایجاد هزینه‌های گزاف برای توسعه عبور می‌کرد؛ ولی این هزینه در نهایت به کارکردی تأمل‌برانگیز رسیده بود. پیش و پس از او هم خاطراتی از این دست زیاد شنیده بودم. روزی یکی از مدیران خوب کشور که عذرش را خواسته بودند، تعریف می‌کرد که در ۲۱ سالگی تعداد زیادی از معلم‌ان کارکشته و قدیمی را به دلیل تفاوت‌های ایدئولوژیک پاک‌سازی کرد و امروز، درست در بزنگاهی که می‌توانسته از شرمندگی تاریخی خود خلاص شود و به اندازه سهمش کارآمدی خلق کند، گروهی از راه رسیدند و همان کردند که او دیرزمانی بر سر دیگری دیگر آورده بوده است. حتما درد مہیبی دارد که جوانی ۲۱ساله با کمترین تجربه پیرانی کارآمده را به خانه بفرستد. اگر مایکین این اتفاق داده‌هایی باشند که پیروزی توسعه را به رخ بکشند، ملالی نیست؛ اما وقتی همه آگاهان و اندیشمندان، زجر بوروکراسی ایران و درد ناکارآمدی‌های اجرائی را در محصول مدیرانی می‌دانند که زاینده روابط و ضوابط غیرکارآمد یا در کلامی خلاصه «رفیق‌نشینی»‌های سیاسی-فامیلی هستند، آن برخوردها و حذف‌کردن‌های مدیریتی دیگر نباید راهبردی تکراری شود؛ بلکه روندی درسی در دل تاریخ باشد که ویرانی را از هر جایی که شد، به روندی برای آبادانی تبدیل کند. قصد دفاع از هیچ مدیر یا دوره‌ای نیست. این نوشته کوتاه، فارغ از هرگونه نشانه سیاسی و جناحی سخن می‌گوید؛ چون پدیده «ثبیت و تعلق پایداری» یا «تعویق در دستیابی به پویایی» قطعاً باید مکانیسمی راهبردی ارزیابی شود. قصد آسیب‌شناسی توسعه است. فرآیند بوروکراسی معطل‌یک دولت خاص نیست؛ بلکه روندی را نشان می‌دهد که در دوره‌های مختلف وجود داشته و یک زنجیره به هم بافته‌شده را به تصویر می‌کشد. همواره آدم‌هایی آمده‌اند، حذف کرده‌اند، مدیر شده‌اند و با عبور از پستی‌ها و بلندی‌های فراوان، تا به مرحله بهره‌مندی اجرائی رسیده‌اند. در همان سیکل، با کوله‌باری از آموخته‌های خود حذف شده‌اند. زمانی پس از یک تحول بزرگ، شاید بشود با تحلیل‌هایی که پیامدهای تحول را تأیید می‌کنند، این زیر و رو شدگی را پذیرفت؛ اما تداوم تاریخی این امر بی‌شک به قطع عقلانیت مدرن منجر خواهد شد. ویری‌ها بوروکراسی را تضمین عقلانیت مدرن می‌دانند. معتقدند که عقل مدرن، فرایند تولید، ساختن و ایجادکردن را هموار می‌کند و این عقل مولد از جایی جز نهاد‌های مدرن عبور نمی‌کند. مدیران و سپس بوروکرات‌ها، به‌عنوان راهبران بوروکراسی نقش نخست را در این فعالیت ایفا می‌کنند. اگر گروه بوروکراسی به عرصه تاخت‌وتاز آدم‌هایی تبدیل شود که میان یک خط فرضی در حد فاصل دو نقطه حذف‌شدگی بر حسب روابط غیرکارآمد بگریزنده می‌شوند، چیزی که از میان خواهد رفت، عقلانیت مدرن و زمینه‌ساز برای تولید و مولدگرایی خواهد بود. کاهش سرعت معقول در فعالیت نهاد‌هایی که هزینه‌مبادله را بهینه می‌کنند یا اجتماع آدم‌های را به جامعه‌ای غیرمصرفی تبدیل می‌سازند، نه‌تنها نمودار توسعه را ناکارآمد، بلکه چرخش امید و گفت‌وگو را نیز زایل می‌کند. به نظر می‌رسد یک بار برای همیشه باید این شتاب یا رقابت در حذف مدیران و قطع روند پویایی در بوروکراسی متوقف شود. مهم نیست چه جریان سیاسی یا چه شناسه جناحی مسئولیت سازمان بوروکراسی را برعهده دارد، ضرورت این است که نیاز به نهاد‌های مدرن و منابع انسانی کارآمد درک شود. خدمت، فارغ از دغدغه کارآمدی ویرانه‌ای نهفته است که دیر یا زود خود را نشان می‌دهد. امروز در جایی ایستاده‌ایم که رفاقت‌گزینی بیشتر از تخصص‌گزینی نمودی اجتماعی دارد و حیرت شهروندی را دامن زده است. بزرگ‌ترین مسئولیت برای گریز از این گیومه با دولت است، اولین کاینه‌ای که خط فرضی تعلق کارآمدی اجرائی را قیچی کند، نخستین پیروز تاریخ خواهد بود که بوروکراسی را به فعلی برای زایش عقلانیت بدل کرده است. اگر این‌گونه نشد، مسئولیت شهروندان بیشتر به چشم می‌آید. باید دست به دامن «معرفت ملی» شد؛ یعنی به سمتی رفت که میهن‌دوستی ضابطه‌مند، نقش‌آفرین تاریخی توسعه شود؛ «اگر نمی‌توانیم، مسئولیت را قبول نکنیم». این ایده را سینه به سینه تکرار کنیم.

انتظار بی سرانجام دانش آموزان مهاجر

میزگرد «شرق» درباره افزایش موانع ثبت‌نام کودکان افغانستانی در مدرسه

دومینوی برجام

گزارش تیتربک را در صفحه ۳ بخوانید



نسترن فرخه، دو هفته دیگر، سال تحصیلی جدید شروع می‌شود و کودکان

بسیاری در حال روزشماری برای رسیدن به اول مهر هستند؛ اما همچنان کودکان مهاجر ساکنان در ایران برای ثبت‌نام در مدرسه با موانع جدی روبه‌رو هستند، به شکلی که امکان دارد اول مهر پشت نیمکت‌های مدرسه نشینند.

طبق اظهارات برخی از سازمان‌های مردم‌نهاد، تا الان هیچ‌کدام از این سازمان‌ها موفق نشده‌اند حتی یک کودک جدیدالورود و کلاس‌اولی را در مدارس ثبت‌نام کنند. تعلق اداره کل اتباع و مهاجران وزارت کشور برای بازشدن سایت و دادن برکه حمایت تحصیلی به کودکان و رویکرد سلیقه‌ای مدارس برای ثبت‌نام این کودکان که هر سال شاهد آن بودیم، باعث شد آمار کودکان محروم از تحصیل امسال بیشتر از سال‌های قبل

یادداشت

جامعه‌پذیری معکوس، راهبرد مبارزه با پیری دیجیتال



منصور ساعی*

جامعه‌پذیری یکی از کارکردهای مهم خانواده است و فرایندی است که انسان‌ها از طریق آن، شیوه‌های زیست، هنجارها و ارزش‌ها و نحوه فعالیت و کنشگری در جامعه‌شان را یاد می‌گیرند. هرچند جامعه‌پذیری غالباً درباره کودکان به کار برده می‌شود؛ اما این فرایند مخصوص آنها نیست؛ بلکه در دنیای امروز که همه امور و فعالیت‌های اقتصادی، بانکی، اجتماعی، آموزشی، پزشکی و نظایر آن در بستر رسانه و فناوری انجام می‌شود، افراد میانسال و سالمندی که یک پا در سنت دارند و یک پا در دوران جدید، باید شیوه زیست و عمل در دنیای کاملاً دیجیتالی و رسانه‌ای‌شده را یاد بگیرند. به دلیلی تحولات دیجیتال، تا چند سال دیگر با مرگ خیابان‌ها و نبود خدمات حضوری ادارات و سازمان‌های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی مواجه خواهیم شد. اگر نسل قدیم توانمند و آگاه نشود، بازنده و عزت‌نشین خواهد بود. «جامعه‌پذیری معکوس و مهاجرت آگاهانه به دنیای شبکه‌ای» یکی از مؤلفه‌های مهم

در ایجاد تغییر نگرش و قدرت سازگاری نسل میانسال و سالمند با سیرر شتابان دنیای جدید و کاهش پیری دیجیتال و افزایش مهارت‌ها و توانایی استفاده از رسانه‌ها و فناوری‌های ارتباطات و تعاملات زندگی است. جامعه‌پذیری معکوس و مهاجرت دیجیتال به جامعه شبکه‌ای والدین و نسل قدیم، هم می‌تواند با سیاست‌گذاری و برنامه‌های هدفمند آموزشی از سوی نهاد‌های سیاست‌گذار انجام شود و هم می‌تواند از سوی نسل فرزندانی صورت گیرد که به دلیل اجتماعی شدن و زیست کامل در یک محیط فناوری‌محور و رسانه‌ای‌شده، سواد و مهارت بیشتری در استفاده و کاربری فناوری‌های ارتباطی نسبت به نسل والدین برای پیشبرد امورات و نیازهای زندگی خود دارند. خانواده و جامعه ایرانی بین جهان سنت و جهان مدرن رسانه‌ای معلق است. باید یک فرایند جامعه‌پذیری معکوس رخ دهد و نسل جدید ناگزیر ذهن و رفتار نسل قدیم را به‌روز کند تا امکان تعامل و گفت‌وگو با نسل جدید فراهم شود. هم‌اکنون خیلی از آن والدین برای آشناشدن با امکانات و شیوه کار با گوشی‌های هوشمند یا تبلت، از دانش فنی و هوش فناورانه نسل فرزندان کمک می‌گیرند. این کار منجر به کاهش شکاف دانایی، شکاف دیجیتال و کاهش هراس از فناوری و اعتماد به ابزارهای نوین و سازگاری با آن می‌شود. البته این فرایند جامعه‌پذیری را باید با کمک سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی،

بررسی حقوقی مطالبه دستگاه قضا و جامعه برای اعدام زورگیر اتوبان نیایش در گفت‌وگو با محسن برهانی

اعدام درمان این درد نیست

میلاد علوی: «با قاطعیت برخورد می‌کنیم». این عین عبارتی است که علی صالحی، دادستان تهران خطاب به خانواده‌هایی گفت که از چند و چون سرقت اموال خود توسط «زورگیر اتوبان نیایش» می‌گفتند. بیان این عبارت در کنار طرح مسائلی چون «محابر» دانستن این فرد، از صدور احتمالی حکم اعدام برای او خیر داد…

صفحه ۲



متخصصان بانکی از تبعات طرح مجلس موسوم به بانکداری جمهوری اسلامی ایران می‌گویند

بانکداری بر لبه پرتگاه

گفت‌وگوی «شرق» با مدیرعامل انجمن صرع ایران

کابوس شبانه مبتلایان به صرع برای تهیه دارو

آهنهایی که مخالف محمد بنا بودند

نگاهی به هفتادونهمین جشنواره فیلم ونیز در گفت‌وگو با محمد اطباطی

سینمای ایران همچنان می‌درخشد

یادداشت روزنامه‌نگاران

سه جزیره؛ سرزمین مادری

محمود اشرفی

در انتهای دهه ۶۰ قرن بیستم به‌یکباره انگلیس تصمیم گرفت

نیروهای خود را از شرق سئوژن خارج کند. امارات متحده عربی در ردی این کنش سیاسی-نظامی شکل گرفت. سرزمین‌هایی که تا قبل از تشکیل کشور امارات در سال ۱۹۷۱ شیخ‌نشین‌های تحت‌الحمایه انگلیس و بارانداز دزدان دریایی بودند. کشورهایی از

این دست را می‌توان در فهرستگان کشورهای مصنوع و هندسی قرار داد؛ سرزمین‌هایی که محدوده آنها براساس خطکش استعمارگران

مشخص و به‌عنوان کشور معرفی شده‌اند. کشورهای نوپای کرانه

جنوبی خلیج فارس از جمله امارات متحده عربی فاقد هویت ملی، یکپارچگی و پیشینه تاریخی‌اند. ازاین‌رو فاقد قلمرو تاریخی بوده و حق حاکمیت آنها بر محدوده ملی کنونی آنها ناشی از تمهیدات

نیروهای خارجی به‌ویژه انگلیس است. درمورد شکل‌گیری

کشور امارات متحده عربی ابتدا قرار بود فدراسیونی متشکل از

شش‌نشین‌های تحت‌الحمایه انگلیس شارجه، دبئی، عجمان، فجیره،

رأس‌الخیمه، ابوظبئی، ام‌القویین، قطر و بحرین به‌عنوان کشوری

جدید تشکیل شود. اما قطر و بحرین با عضویت در این فدراتیو

مخالفت کرده و ترجیح دادند کشورهای مستقلی باشند. شیخ‌نشین

رأس‌الخیمه نیز یک سال تأخیر به کشور نوپای امارات پیوست.

ترتیبات سیاسی و شیوه شکل‌گیری امارات نشان می‌دهد که امارات

متحده عربی فاقد هویت و یکپارچگی ملی است. حق حاکمیت

آن بر محدوده ملی کاملاً مصنوع و فاقد پشتوانه تاریخی است. در

چنین شرایطی امارات چگونه می‌تواند ادعای اراضی نسبت به سه

جزیره ایرانی تنب کوچک، تنب بزرگ و ابوموسی داشته باشد. ایران

کشوری باستانی با حق حاکمیت بر سرزمین مادری است. حقوق

حاکمیتی ایران ریشه‌ای هزاران‌ساله در سرزمینی مستقل دارد. حدود

جغرافیای سیاسی ایران در پهنه آبی خلیج فارس دارای مستندات

باستانی بوده و خدشه‌ناپذیر است. ایران اکنون از برخی حقوق

حاکمیت سرزمینی خود که در نتیجه تمهیدات قدرت‌های بزرگ

سلب شده است، تنها به خاطر دوام صلح بین‌المللی چشم‌پوشی

می‌کند. حق حاکمیتی ایران بر بحرین در این فهرستگان جای

می‌گیرد. مذاکره بر سر سه جزیره ایرانی خلیج فارس که از سوی

امارات مطرح می‌شود با موازین حقوق بین‌المللی ناسازگار است.

حفظ تمامیت ارضی ایران و دفاع از سرزمین مادری خط قرمز

ایرانیان با هر گرایش سیاسی و مسلک سیاسی است.

مدرسه کاربردی علوم ارتباطات «شرق»

ثبت‌نام: ۲۰ شهریور تا ۹ مهر، هر روز از ساعت ۱۰ تا ۱۸ به استثنای روزهای پنجشنبه و تعطیل

رجوع به صفحه آخر